

حافظ، زبان گویای فرهنگ ایران

گزارشی از «روز حافظ»

در دانشگاه شهید رجایی

سارا حیدری

دانشجوی سال چهارم برنامه ریزی شهری

□ روز بیستم مهر ۱۳۸۷ که به روز حافظ نام گذاری شده است، به دعوت دانشجویان دانشکده های تربیت دبیر و فنی دانشگاه شهید رجایی تهران، مراسم ویژه ای در سالن اجتماعات آن دانشگاه برگزار شد. پس از تلاوت آهانی از قرآن مجید و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران، نخست زندگی نامه ای علمی پروفسور سیدحسن امین قرائت شد و آن گاه وی در جایگاه قرار گرفت و به سخنرانی پرداخت.

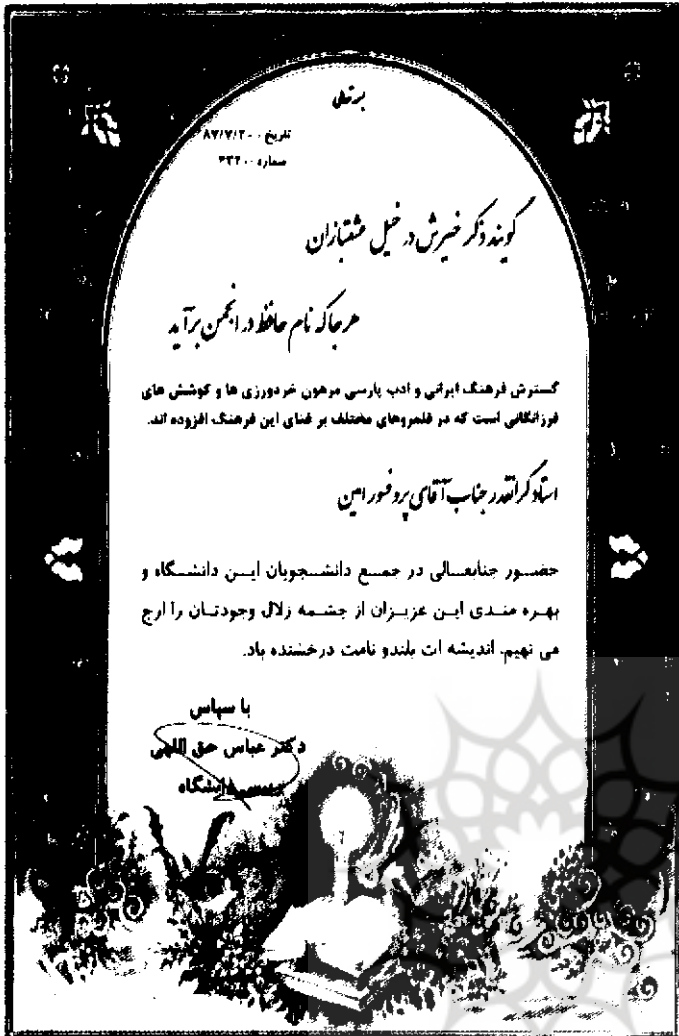
در پایان مراسم لوح تقدیر زیر از طرف رئیس دانشگاه شهید رجایی به پروفسور امین اهدا شد.

چکیده سخنرانی استاد به شرح زیر است:

خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی (ولادت ۷۱۵ - وفات ۷۹۲ هجری) اگرچه از نظر تاریخی متعلق به قرن هشتم است، اما به حقیقت یکی از بزرگ ترین شاعران ایران در همه ای ادوار یعنی حتی قبل و بعد از قرن هشتم تا امروز است. چرا که شعر، هنر ملی ماست.

ما در طول تاریخ ادبیات مان، هفت شاعر مهم داریم که از ارکان ادبیات فارسی اند: فردوسی، سعدی، خیام، مولوی، حافظ، ناصر خسرو و نظامی. البته جایگاه فردوسی، بی نظیر است چون او احیاکننده زبان فارسی ست و اگر او زبان فارسی را پاسداری نکرده بود، فرصتی پیدا نمی شد که مولوی، سعدی و حافظ پیدا شوند.

با این همه مقبولیت حافظ در ذهن و زبان ایرانیان از همه ی شاعران پیش تر است. خلاصه حافظ اگرچه بزرگ ترین شاعر ما یا شاعر بزرگ ملی ما نیست (این صفت مخصوص فردوسی ست)، اما محبوب ترین، جذاب ترین و استثنائی ترین شاعر ایرانی ست و به همین دلیل، ایرانیان فقط با شعر او که سیال است فال می گیرند. در هر خانه ای که در ایران کتابی حتا یکی دو جلد کتاب باشند، اول قرآن است بعد هم دیوان حافظ. حافظ تحت تاثیر شاعران قبل از خود بوده است. اما از آن ها برتر شده و به عبارت دیگر، شعر او عصاره ی فرهنگی ملی ماست.



حافظ شک و تردید و طنز خیام را با حماسه ی فردوسی، جنبه و هیجان مولوی و سلاست و فصاحت سعدی درهم آمیخته و شعری جادویی ساخته که از حد کلام عادی / زمینی، فراتر می رود و جنبه ی آسمانی = احوال معنوی و باطنی پیدا می کند: صبح دم از هرش می آمد سروشی، عقل گفت: قدسیان گویی که شعر حافظ از بر می کنند.

این که ما به حافظ یا دیوانش لسان الغیب می گوییم، این جا لسان الغیب دو معنی دارد: ۱- شعر او تلقین غیب است: در پس آینه طوطی صفتم داشته اند / آن چه استاد ازل گفت بگو، می گویم. ۲- وجدان جمعی ایرانیان است. به قول کارل گوستاو یونگ ما دارای یک وجدان جمعی هستیم. حافظ، عمیق ترین لایه های فرهنگی ما، ذهنیت و روحیات و خلیقات ما را به شکل نمادین در شعرش نمایان ساخته است. لذا هر ایرانی از هر طبقه و هر قشر، از مرد و زن، او را از خودش می داند.

اشتهار و تخلص خواجه شمس الدین محمد شیرازی به حافظ هم دو وجه دارد: ۱- حافظ قرآن و ۳۵۰ مورد اشاره به قرآن در غزلیاتش: عشقت رسد به فریاد و ر خود به سان حافظ / قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت. ۲- آواز خوانی: غلام حافظ خوش لهجه ی خوش آوازم. ■